

علم منطق

درس چهاردهم

قیاس اقترانی شرطی

قیاس اقترانی شرطی عبارت است از : قیاس اقترانی که هردو مقدمه ، یا یکی از مقدمات آن ، قضیه شرطیه باشد.

مثال :

"هرگاه انسان ، حکیم باشد ، سنجیده سخن می گوید".

"هرکه سنجیده سخن گوید ، سعادت‌مند است".

نتیجه : "هرگاه انسان حکیم باشد ، سعادت‌مند است".

بنا بر این ، قیاس اقترانی شرطی در زمینه شرایط عمومی قیاس اقترانی که قبلاً بیان شد ، مانند قیاس اقترانی حملی است ؛ با این تفاوت که دو مقدمه یا یکی از مقدمات آن ، قضیه شرطیه است، خواه قضیه شرطیه متصله باشد ، یا قضیه شرطیه منفصله.

شرایط عمومی قیاس اقترانی که قبلا مورد اشاره قرار گرفتند عبارتند از :

الف - حدّ وسط ، تکرار شده باشد.

ب - هر دو مقدمه آن ، سالبه نباشند.

ج - هر دو مقدمه آن ، جزئیه نباشند.

د - دو مقدمه آن طوری نباشند که صغرای آن سالبه ، و کبرای آن جزئیه باشد.

ه - نتیجه آن ، تابع ضعیفترین مقدمه ها باشد. به این معنا که اگر یکی از مقدمه ها جزئیه و دیگری کلیه است ، نتیجه باید جزئیه باشد. همچنین اگر یکی از مقدمه ها موجهه و دیگری سالبه است ، نتیجه باید سالبه باشد.

اقسام اقترانی شرطی

قیاس اقترانی شرطی را بر اقسام ذیل ، تقسیم کرده اند:

الف - آنکه حدّ مشترک در آن ، مجموعه اجزاء مقدم یا مجموعه اجزاء تالی در هر دو مقدمه باشد. مثل اینکه بگوییم :

"هرگاه انسان فهیم باشد ، اهل قناعت است".

"هرکه اهل قناعت است ، مستغنی است".

نتیجه : "هرگاه انسان فهیم باشد ، مستغنی است".

در این مثال ، تمام عبارت "اهل قناعت است" ، در هر دو مقدمه تکرار شده است.

ب - آنکه حدّ مشترک در آن ، بخشی از مقدم یا بخشی از تالی در هر دو مقدمه باشد. مثل اینکه بگوییم :

"هرگاه قرآن معجزه باشد، پس قرآن جاودان است".

"هرگاه جاودانگی به معنای ثبات است ، پس جاودان تغییر نخواهد کرد".

نتیجه : "هرگاه قرآن معجزه باشد ، پس اگر جاودانگی به معنای ثبات است ، پس قرآن تغییر نخواهد کرد".

در این مثال ، کلمه "جاودان" که در هر دو مقدمه تکرار شده ، بخشی از عبارت "قرآن جاودان است" و عبارت "جاودان تغییر نخواهد کرد" می باشد.

ج - آنکه قیاس اقترانی شرطی از یک مقدمه شرطیه و یک مقدمه حملیه تشکیل شده باشد و حدّ مشترک در آن ، بخشی از اجزاء مقدم یا تالی در مقدمه شرطیه ، و تمام موضوع یا محمول در مقدمه حملیه باشد. مثل اینکه بگوییم :

"هر گاه فلزی طلا باشد ، آن فلز گرانبه است".

"هر گرانبه ، کمیاب است".

نتیجه : "هرگاه فلزی طلا باشد ، کمیاب است".

در این مثال ، کلمه "گرانمایه" بخشی از تالی در صغرا است ، اما تمام موضوع در کبرا را تشکیل می دهد.

قیاس استثنایی

پس از پایان بحث قیاس اقترازی و اقسام آن (اعمّ از حملی و شرطی) ، اینک به شرح مبحث قیاس استثنایی می پردازم :
در درس قبل گفتیم : در صورتی که عبارت تشکیل دهنده نتیجه یا نقیض آن در یکی از مقدمات قیاس به نحو صریح بیان شده باشد ، آن قیاس را استثنایی می نامند.
مثال برای قیاسی که نتیجه به صورت صریح ، در یکی از مقدمات آمده است :

"اگر حمید ، عاقل است ، منصف است".

"لکن حمید ، عاقل است".

نتیجه : "حمید ، منصف است".

مثال برای قیاسی که نقیض نتیجه ، عینا در مقدمات آن بیان شده است :

"اگر زحل ستاره است ، از خودش نور دارد".

"لکن زحل ، از خودش نور ندارد".

نتیجه : "زحل ، ستاره نیست".

در قیاس استثنایی ، باید یکی از دو مقدمه آن حتما شرطیه باشد ، و مقدمه دیگر ، باید استثنائی باشد. (یعنی دارای اداه استثناء باشد).

شروط قیاس استثنایی

علماء منطق ، شروط عمومی قیاس استثنایی را به شرح زیر بیان کرده اند :

الف - یکی از دو مقدمه آن باید کلیه باشد. به عبارت دیگر ، نباید هر دو مقدمه آن جزئی باشند.

ب - مقدمه ای که شرطیه است ، نباید قضیه شرطیه اتفاقیه باشد.

ج - قضیه شرطیه در قیاس مذکور ، باید موجه باشد.

بنا بر این اگر در موردی ملاحظه شد که مقدمه شرطیه قیاس مذکور سالبه است ، به موجه لازمه برای سالبه یادشده تبدیل می گردد و به جای آن قرار می گیرد.

اقسام قیاس استثنایی

قیاس استثنایی را به دو قسم تقسیم کرده اند :

الف - قیاس اتصالی.

ب - قیاس انفصالی.

قیاس اتّصالی عبارت است از قیاس استثنایی که مقدّمه شرطیه آن ، متّصله باشد. مثل اینکه بگوییم :

"هر مثلث بر سطح مستوی باشد ، مجموعه زوایای آن 180 درجه است".

"لکن این مثلث بر سطح مستوی نیست".

نتیجه : "مجموعه زوایای این مثلث ، مساوی با 180 درجه نیست".

قیاس انفصالی آن است که مقدّمه شرطیه آن ، قضیه منفصله باشد. مثل اینکه بگوییم :

"هر عدد ، یا فرد است یا زوج".

"لکن این عدد ، فرد نیست".

نتیجه : "این عدد ، زوج است".

قیاس خلف و قیاس مساوات

در ادامه مبحث قیاس ، دو اصطلاح دیگر که در علم منطق مطرح گردیده است را با رعایت اختصار ، از نظر شما می گذرانیم :

الف - قیاس خلف. منظور از این قیاس این است که گاهی از اوقات ، برای اثبات امری که مطلوب ما هست ، به سراغ نقیض آن می رویم و باطل بودن آن نقیض را با دلیل و قیاس منطقی

ثابت می کنیم. بنا بر این، با ابطال نقیض ، اصلی که مطلوب ما هست ، خودبخود به اثبات می رسد. زیرا چنانکه قبلا توضیح دادیم ، ارتفاع نقیضین محال است.

ب - قیاس مساوات. و آن قیاسی است که برای تحصیل نتیجه در آن ، به مقدّمه ای خارجی نیاز است.

مثال 1 :

"یک پنجم مساوی است با دو دهم".

"دو دهم مساوی است با بیست درصد".

نتیجه : "پس یک پنجم مساوی است با بیست درصد".

در این مثال ، برای تحصیل نتیجه ، به یک مقدّمه خارجی که در قیاس مذکور بیان نشده است نیاز داریم ، و آن عبارت است از :
"مساوی مساوی یک چیز ، مساوی آن است".

مثال 2 :

"کره زمین ، جزئی از منظومه شمسی است".

"منظومه شمسی ، جزئی از کهکشان راه شیری است".

نتیجه : "پس کره زمین ، جزئی از کهکشان راه شیری است".

در این مثال ، برای تحصیل نتیجه ، به مقدّمه خارجی ذیل ،
احتیاج داریم :

"جزء جزء یک چیز ، جزء آن است".

بنا بر این ، تحصیل نتیجه در قیاس مساوات ، مشروط به این
است که علاوه بر رعایت شرایط عمومی قیاس ، مقدمه خارجی
آن هم صحیح باشد.
